



نشریه تابستان ۹۹، شماره ۵۱، قیمت ۳۰۰۰ تومان

دانشگاه الزهراء
نشریه
علمی
فرهنگی

دانش و فرهنگ



فهرست

- ۱ سخن سردبیر
- ۲ بی شخصیت
- ۴ چرا و چگونه خواب میبینیم
- ۷ گفتمان سکوت
- ۱۰ نگاهی به یک مورد عجیب
- ۱۳ کودکان کار



شناسنامه اثر:

صاحب امتیاز : انجمن علمی دانشجویی روانشناسی دانشگاه الزهراء(س)
تحت نظر : اداره کل امور فرهنگی دانشگاه الزهراء(س)
استاد مشاور انجمن علمی دانشجویی : آزاده طاولی
سر دبیر و مدیر مسئول : الیکا حاج علیان
ویراستار : شادی نگهبان
طراح و صفحه آرا : سیده معصومه میرحسینی
کارشناس نشریه : زهرا وزیری
چاپ و صحافی : چاپ خانه دانشگاه الزهراء(س)
نشانی : تهران، میدان ونک، ده ونک، دانشگاه الزهراء(س)

روابط عمومی : ۰۹۳۸۵۴۰۳۸۴۲ 

سختن دست در دستگیر

نوشتن از بحث

داغ این روزهای شبکه‌های اجتماعی،

آن قدر سخت بود که مدت‌ها از نوشتنش طفره رفتیم و حالا

که دست به قلم شدم هم نمی‌دانم کدامین جمله می‌تواند آغازگر خوبی برای

صحبت‌هایم باشد... امروز می‌خواهم از دردی دور اما نزدیک بنویسم؛ دردی که شاید بسیاری آن را

تجربه کرده باشند و لب به سخن نکشایند؛ آن هم تنها و تنها به خاطر کلمه مبهم «آبرو» و آن هم دردی نیست جز: «تجاوز» این

کلمه آن قدر سنگین است که به تنهایی می‌تواند یک سطر را پر کند. این روزها شاهد اعتراف‌های بسیاری از قربانیان تجاوز

هستیم؛ قربانیانی که بعد از روزها، ماه‌ها و حتی سال‌ها بر ترس‌هایشان غلبه کرده و لب به سخن گشوده‌اند. و بسیاری از ما

نتوانستیم با عمق وجود دردی را که آن‌ها کشیدند درک کنیم. کسی که روزها، ماه‌ها و سال‌ها با ترس و تنفر زندگی

کرده و جاننش آن‌چنان با اضطراب آمیخته شده که در دنیای درونی و بیرونی او یک پارادوکس محض برقرار است و

به‌راستی چند درصد از ما پارادوکس را با عمق وجودمان لمس کرده‌ایم؟! در بین صحبت‌های قربانیان تجاوز،

آن‌چه بسیار تکرار می‌شود تنفر و ترس نسبت به جنس مخالف است و اکثر آن‌ها دلیل این سکوت

طولانی مدت خود را دقیقاً ترس از همان کلمه مبهم «آبرو» بیان کرده‌اند... و بسیار نگران این

موضوع هستند که باورش‌شان نکنند. تجاوز تنها تجاوز جنسی نیست؛ تجاوز از هر نوعی دردناک

است و روح و روان قربانیان را به حدی تحت تأثیر قرار می‌دهد که شاید تا ماه‌ها و حتی

سال‌ها نتوانند به روال عادی زندگی خود برگردند. به‌راستی علت تداوم این سکوت

چیست؟ آیا این کلمه چهار حرفی آن قدر قدرت دارد که یک نفر نابودی زندگی

خودش را به جان بخرد؟! چرا آن قدر سنگین است که یک نفر حاضر به

تحمل درد درونی‌اش به تنهایی باشد اما باز هم فریادش را در گلو خفه

کند؟! فکر می‌کنم کمی نیاز به تأمل داریم... کمی نیاز به بازبینی

باورهای قدیمی‌ای که امروز دیگر کارایی سابق را ندارند و

باعث دردهای بیشتر و بیشتر می‌شوند... شاید بیشتر از

کمی نیاز به آموزش در این رابطه داریم تا بعد از

تجاوز، قربانیان تجاوز دیگر خود را گناهکار

ندانند... دیگر خود را روزها و ماه‌ها

سرزنش نکنند. شاید فقط با کمی

تغییر بتوانیم از فاجعه‌های

بعدی و بزرگ‌تر جلوگیری

کنیم.



الیکا حاج علیان

بی شخصیت!



پروانه کرمی

مقاله‌های در رابطه با سرانه مطالعه نام نویسنده؟

گاهی اوقات در ارتباط با دیگران در سطح اجتماع رفتارهایی را میبینیم که آزاردهنده و همچنین نگرانکننده است. این آزار ممکن است بعد از اینکه ما را ناراحت و آشفته کرد به این جمله خاتمه یابد که به اصطلاح عوام «این فرد بی فرهنگ یا بی شخصیت است» یا «با این رفتار شخصیتش را نشان داده». یا حتی ممکن است کمی در این موضوع عمیقتر هم بشویم که واقعا چرا بعضی افراد رفتارهایی از خودشان نشان میدهند که شایسته‌شان یا به عبارتی متناسب با موقعیت اجتماعی آنها یا طرف مقابلشان نیست؟!

واقعا این فرهنگ یا به اصطلاح عام، شعور یا شخصیت چیست؟ از کجا به دست می‌آید؟ آیا صرفا متولد شدن در یک کشور با تاریخ غنی و طولانی، شهر یا خانواده موجه میتواند نوعی ضمانتنامه برای داشتن فرهنگ موجه باشد؟ چیزی که موجب تفاوت افراد و کشورهای پیشرفته در روابط اجتماعی‌شان با دیگر جوامع و افراد میشود چیست؟

حقیقت این است که بخشی از شخصیت انسان توسط خود فرد شکل میگیرد؛ دوستانی که برای خود انتخاب میکنیم، کارهایی که در اوقات فراغت انجام میدهیم، مهارتهایی که به دنبال آموختنشان میرویم، مکانهایی که از آنها بازدید میکنیم، فیلمهایی که میبینیم، آهنگهایی که گوش میدهیم و بهویژه کتابهایی که میخوانیم؛ تمامی اینها هم شخصیت و نگرش انسان به مسائل را شکل میدهند و هم نشانگر نگرشهای از قبل شکل گرفته در انسان هستند.

البته نمیتوان تاثیر محیط اجتماعی که نگرشهای اصلی فرد در آن شکل میگیرد را نادیده گرفت. یکی از مهمترین نهادها اجتماعی که بر شخصیت فرد تاثیر میگذارد خانواده است. خانواده همچنین میتواند بر گرایش به کتابخوانی فرد نیز تاثیرگذار باشد.

پژوهشهایی که در سالهای اخیر در کشور صورت گرفته بیانگر این هستند که مشاهده رفتار دیگران میتواند روی فرد تاثیرگذار باشد. به عنوان مثال مشاهده رفتار مطالعه در دیگران، علاقه‌مندی به مطالعه را به شکل مثبت و معنی داری افزایش میدهد (بهزادی و محمودی، ۱۳۹۶). جالب است بدانید که حتی سبکهای فرزندپروری والدین نیز بر گرایش به مطالعه فرزندان تاثیر دارد. به این صورت که با توجه به مطالعه صورت گرفته توسط سعیدی و همکاران (۱۳۹۵)، میان سبک فرزندپروری مقتدرانه و گرایش به مطالعه در نوجوانان، رابطه آماری معناداری وجود دارد.

یک راهنما

کتابها صرفا ورقه های کاغذی نیستند که شب امتحان حفظ شوند و صبح روز بعد توسط دستگاه کپی فکس حافظه‌مان روی برگه امتحان چاپ شده و یک ماه بعد معدوم شوند. کتابها راهنمای

زندگی انسانها هستند. تصور کنید کسی برای اولینبار مسیری را رفته و وقتی آنقدر خوششانس بوده که برگردد، با نوشتن روی یک تابلو در ابتدای این مسیر به دیگران هشدار داده که این مسیر اشتباه است و شما را به مقصد مورد نظر نمی‌رساند. او با شور و ذوق امید دارد کاری که کرده بتواند انسانهای عصر خود یا حتی نسلهای بعدی را راهنمایی کند اما چیزی که در نهایت اتفاق میافتد این است که عدهای «انتخاب میکنند» این تابلو را نخوانند و بدون توجه به آن تصمیم بگیرند... در نتیجه بارها و بارها یک اشتباه توسط افراد و حتی نسلهای گوناگون انجام میشود فقط چون انتخاب کرده‌ایم به اطلاعات قبلی توجه نکنیم. کاری که در حال حاضر با مطالعه نکردن انجام میدهیم.

کتابها علاوه بر راهنمایی انسانها در زندگی تاثیرات دیگری نیز دارند. یکی از آنها سلامت روانی افراد است. با مطالعه و آموختن مطالبی که فرد از آنها مطلع نبوده، فرد لذت بیشتری از زندگی میبرد و به همین دلیل میان مطالعه و وضعیت روانی و همچنین میزان مطالعه و افسردگی رابطه وجود دارد (بهرامی و همکاران، ۱۳۹۰).

چه کتابی بخونم؟

اما به اندازه تعداد موضوعات مورد علاقه تمام آدمها روی کره زمین کتابهای گوناگون وجود دارد. کتابها بسته به محتوا میتوانند در طبقهبندیهای گوناگون جا بگیرند. سوال خوب این نیست که چه کتابی خوب است... باید از خودمان پرسیم «چه کتابی برای ما خوب است؟». مطالعه کتابها صرفا به این دلیل که معروف هستند، پر فروش هستند یا برای دیگران مفید یا جذاب بوده‌اند نمیتواند دلیل کافی و مناسب برای مطالعه یک کتاب باشد. کتابی مناسب «من» است که به درد زندگیام بخورد، چیزی که لازم دارم و نمیدانم و مشتاقم که بدانم را از آن یاد بگیرم. در غیر اینصورت صرفا برای مدتی حافظه کوتاهمدت خود را مشغول نگه داشته‌ایم.

چطور شروع کنم؟

اما راهکار کنار گذاشتن این تصورات غلط که نیازی به خواندن کتاب نداریم و هرچه لازم داریم یادگرفته‌ایم یا اینکه فرهنگ غنی داریم چون اجدادمان هزاران سال قبل کارهای انسانی انجام داده‌اند، چیست؟ اولین کار پذیرفتن اشتباه بودن این تصورات است. تا زمانی که نپذیریم اشتباه می‌کنیم، یاد نمی‌گیریم. دومین کار دغدغه‌مند بودن است. به بیانی دیگر اگر دغدغه این را نداشته باشید که کتابی بخوانید و چیزی از آن یاد بگیرید، احتمالا کتابی هم نخواهید خواند. و اما آخرین و مهم ترین کار: یک کتاب بخوانید.

فهرست منابع:

۱. سعیدی، زهرا؛ حریری، نجلا و اباذری، زهرا. (۱۳۹۶). رابطه سبک های فرزندپروری و گرایش به مطالعه در نوجوانان مطالعه موردی : دبیرستان های تهران. تحقیقات اطلاع رسانی و کتابخانه های عمومی؛ فصلنامه علمی-پژوهشی، ۳۱(۲۳)، ۳۱۴۸
۲. بهزادی، حسن و محمودی، حسن. (۱۳۹۶). بررسی نقش یادگیری مشاهده ای بر وضعیت مطالعه دانش آموزان پسر دوره متوسطه بر اساس نظریه شناختی اجتماعی بندورا. کتابداری و اطلاع رسانی، ۱۱(۲۱)، ۲۵۵۴
۳. بهرامی، سوسن؛ ملاخلیلی، حمیده؛ باغیانی، فائزه؛ اشرفی ربزی، حسن و مجیری، شهین. (۱۳۹۰). رابطه مطالعه غیر درسی و سلامت روان دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی اصفهان. مجله ایرانی آموزش در علوم پزشکی/ویژه نامه توسعه آموزش و ارتقای سلامت، ۱۱(۹)، ۱۲۴۷۱۲۴۱



چرا و چگونه خواب میبینیم؟ و تعبیر خوابهایمان چیست؟

یک. تحریکهای حسی خارجی: ما در هنگام خواب تلاش میکنیم چشمها را که به عنوان مهمترین حس بدن است ببندیم اما هر چه تلاش کنیم کوششهای ما کاملاً به نتیجه نمیرسد برای اینکه نه میتوانیم تمام محرکها را از قلمرو حواس خود دور کنیم و نه اینکه قابلیت تحریک حواس خود را از بین ببریم. همین تحریکهای خارجی در خواب، ممکن است منابع رویا تلقی شود. دو. تحریکهای داخلی، اندامهای حواس: مثلاً تحریکهای داخلی شبکه نقش مهمی در جلوههای رویا بازی میکند. مهمترین عامل این تحریکهای داخلی و دلیل عمل آنها وجود توهم هیپناگوریک است که ژمولر آنرا به تجلیات وهمی بصری تعبیر کرده است و تصاویر بسیار زنده و متغیری هستند که نسبتاً منظم و در عده زیادی از مردم در موقع خواب و یا حتی در بیداری جلوه میکند و چند لحظه پس از باز شدن چشمها، همچنان برجای میماند. سه. تحریکهای داخلی تمام بدن: در حالت عادی از اندامهای درونی خود احساسی نداریم اما ممکن است منبع احساسهایی برای ما بشوند. ارسطو در قدیم ممکن میدانست که رویا ما را از امراضی که تازه دارد در بدن ما جا باز میکند، آگاه کند در حالی که در موقع بیداری ممکن است به آن آگاه نشویم (برای اینکه احساسهای ما در هنگام خواب، واضحتر و بزرگتر جلوه میکنند).

بنا بر نظریه شوپنهاور در ۱۸۵۱ عالم در ذهن ما متجلی میشود برای اینکه ذهن ما تأثراتی را که از خارج بهدست میآورد، در قلب زمان و مکان و علت میریزد. تأثیرهای عضوی حاصل از دستگاه سمپاتیک در روز تأثیری غیر از تأثیر ناخودآگاه در ما ندارد و حال آنکه در شب اهمیت تأثرات عضوی، خود را بهدقت به ما تحمیل میکند.

چهار. تحریکهای روانی: به گفته فروید باید فرقی گذاشت بین تحریک عصبی و رویای مبتنی بر تداعی. این رویا ریشهش فقط در احیای نفسانیات است. او بیان میکند که اگر استقلال عالم روانی را در قبال تغییرات عضوی اثباتپذیر، علم کنید و یا یک نوع خودکاری و خودمختاری را به تظاهرات آن نسبت بدهید، موجب وحشت روانپزشکان خواهد شد بطوری که گویی با قبول آن موجب بازگشت عصر فلسفه طبیعی و جوهر متافیزیکی روح خواهند شد.

لحظه رویارویی انسان با خویش

فرض کنید که در یک لحظه تمام سیستم روانی شما به سمتی میرود که با تمامیت خودتان، تمام امیال و تکانهای خود در آینه روبهرو میشوید، چه واکنشی خواهید داشت؟ به احتمال زیاد اضطراب پیشرونده باعث میشود که در کمتر از یک دقیقه ذهن شما تابآوری لازم نداشته باشد و سیستم، خودش را نابود کند! چون هر چه باشد بهتر از این است که با خودش روبه رو شود!

اگر خواب نبینیم نشانهایی که از تعارضهای درونی بروز میدهم و رفتارهایی که ناخودآگاه انجام میدهم و حرفهایی که میزنیم و نمیدانیم چرا! کمک ما را از پا درمیآوردند.



شادی نگهبان و شکوفه کاشکی

تعبیر خواب در روانکاوای شاهراه بینش درباره ناخودآگاه است و ما با نگاهی عمیق و تعبیر و تفسیر خواب ها با ضمیر ناخودآگاهمان و خواستههای بیشتر آشنا میشویم.

چکیده

در اندرون من خسته دل ندانم چیست که من خموشم و او در فغان و در غوغاست

حافظ

ما تقریباً هربار که میخوابیم خواب میبینیم خواه فراموششان کنیم یا آنها را به یاد بیاوریم. خواب دیدن چرا و چگونه اتفاق میافتد و در نهایت خواب های ما به چه معناست؟

چرا خواب میبینیم؟

روبا به حقیقت پیوستن خواستهها و آرزوهای ماست

رویا هیاهویی از اصوات ناساز نیست و بیمعنی و بیحاصل هم نمیشد. برای توجیه آن نیازی به فرضیه بهخواب رفتن قسمتی از تجسمات و بیدار ماندن قسمت دیگر آن نیست بلکه رویا پدیدههای روانی است و چیزی نیست مگر به حقیقت پیوستن خواستهها و آرزوها و باید آن را دنبالاعمال روانی معقول هنگام بیداری بهحساب آورد و فعالیت ذهنی موجود آن بسیار عالی و پیچیده است. البته بسیاری این نقد را وارد کردند که اظهار اینکه همپرویاها درحقیقت چیزی جز به حقیقت پیوستن امیال و آرزوها نیست تعمیمی غیرموجه است و می توان بیدرنگ آن را انکار کرد زیرا بسیاری رویاهایی که واجد یک محتوای غمانگیز باشند. اما با این وجود رد چنین ایرادهای بهظاهر قانعکننده چندان مشکل نیست فقط کافیت بداند که تئوری ما مبتنی است بر بررسی دقیق محتوای اندیشههایی که تعبیر کردن در ورای هر رویایی مشخص میکند نه بررسی محتوای ظاهری رویا، بدین معنی که ما محتوای ناپیدا را درمقابل محتوای پیدا قرار میدهم. البته رویاهایی هم هست که محتوای پیدای آنها غمآلود است، اما آیا هیچوقت به فکر افتادهاید که اگر این نوع رویاها تشریح شوند و به محتوای ناپیدای آنها پی ببرید در باطن امر همان رویاهای حاوی اجابت میل و آرزو هستند؟

منابع رویا

فروید در کتاب تعبیر رویا بیان میکند که منابع رویا ممکن است متعدد باشد و از تن یا روان سرچشمه بگیرد:

شخصیت افراد پی ببریم میتوانیم با تجزیه و تحلیل افسانه ها و اساطیر به روحيات ملتی پی ببریم و این امر از لحاظ تاریخ تمدن و بازیافتن ریشه‌ها اصل بسیاری از ملاحظات اجتماعی حائز اهمیت است.

عوامل در رویا

یک. تراکم: رویا با این عامل خلاصه و فشرده میشود و فقط بخشی از همجریانهای پشت پرده به صورت محتوای پیدا در خواب دیده میشود.

دو. تغییر مکان: در سایه‌های عامل بار عاطفی و احساسی که ما را به طرف یک چیز میکشاند از هدف اصلی خود جدا شده موقتا به هدف ظاهری و دروغین و فریبدهنده دیگری منتقل میشود.

سه. نمایش دادن: این عامل افکار انتزاعی و مفاهیم مجرد ذهن را به صورت تجسمی و ملموس درمیآورد.

چهار. کنایه‌آفرینی و تمثیل‌سازی و تدارکات ثانویه: رویاها معمولا سرشار از نماد و کنایه است.

ما در خواب با استفاده مکانیسم‌های دفاعی مثل ادغام و جابه‌جایی (همان مجاز و استعاره به تعبیر لکان) امیال خود را بیانکه دچار فروپاشی روانی شویم میبینیم. فروید رویا را حافظ و نگهبان خواب میبیند یعنی بر آن است که اولین وظیفه رویا این است که خواب به بیداری نینجامد. اما این امیال در خواب به‌طور کامل ارضا نمیشوند. لکان میگوید: رویاهای ما در خواب کاملا ارضا نمیشوند چرا که اگر به‌طور کامل ارضا میشدند دیگر برای از خواب بیدار شدن میل و دلیلی نداشتیم. لازم است محرومیتی باشد که بتواند ما را از خواب بیدار کند.

در مرحله‌های که رویا عمدتا در آن صورت میگیرد و خواب همراه با حرکات سریع چشم REM نام دارد به معنای واقعی آنچه مرحله ضد و نقیض خواب خوانده میشود پی میبریم؛ زیرا در این مرحله شدت فعالیت‌های مغز نه تنها با میزان فعالیت آن در هنگام بیداری برابر است، بلکه حتی ممکن است از آن هم بیشتر شود. و همین دلیل مهر تاییدی است بر این جمله فروید که رویا شاهرهای است عمده در جهت کشف ضمیر ناآگاه. در همین مرحله ضد و نقیض خواب است که رویا مکانیسم عمده خود، یعنی استقبال و مضارعه آرزومندی را بر مرحله عمل میگذارد چون تحقق آرزومندی و کوشش در تعهد آن وظیفه اصلی رویا است و به همین جهت است که پیوسته رویا سعی در حفظ و نگهبانی خواب و اجتناب از بیداری دارد.

فروید مینویسد، وقتی که با یک رویای کامل روبه‌رو میشویم آن را به‌عنوان یک چیز خارجی تلقی میکنیم و آنقدر از حق مالکیت خود نسبت به آن صرف نظر میکنیم که می‌گوییم: رویا بر من ظاهر شد یا خواب دیدیم. این بیگانگی و خارجی بودن روانی رویا از کجا ناشی میشود؟

انسان همواره در حال پیشی گرفتن از خویشتن خویش است. این استقبال نفسانی واجد نحو عملی است و نمایش در آن نقش به‌سزایی دارد زیرا نقل و حکایت هدفی مادی را دنبال نمیکند و کمابیش حالت نوعی بازی باطنی را به خود میگیرند، بنابراین زمینه برای بیان آرزومندی انسانها بسیار مساعد است. ولی این پیشی گرفتن از خود را نمیتوان به عنوان یک فرایند استقبالی و انعکاسی از وجود آدمی دانست. غیریت ذاتی فرد نسبت به وجود خود هم حاکی از هویت اوست هم ناشی از تفارق او با وجود خویش.

خویشتن خویش من کسی جز غیر نیست *Je est un autre* غیری که بقای خود را مدیون فرهنگ و جامعه ای است که یکایک افراد در آن سهیم هستند. یک چنین سهم عظیمی را نمیتوان حاصل کار و فعالیت یک فرد خاص به حساب آورد. رویا حدیث غیر است. به واسطه چنین حدیثی است که فاعل نفسانی به نقل حکایتها و افسانه‌های گوناگون برای خود میپردازد، حکایت‌هایی که گرچه از گذشته او نشات میگیرند، ولی پیوسته به آینده‌های اشاره دارند که در پی تحقق یافتن در زمان حال میباشد. لذا رویا تقلیدی است روایی از ساخت و بافت حکایات موجود در فرهنگ. میان رویا و هنر نیز رابطهای ناگسستنی وجود دارد. شاعر رویاهای خود را باز میگوید و یا به همان طریق که رویا ساخته میشود، در عالم بیداری رویا میسازد. افسانه‌های ملل و اساطیر و ضرب المثل های نیز در واقع رویاهایی هستند که جامعه به‌طور کلی آنها را می‌آفریند. ما همانطور که با تجزیه و تحلیل خوابها میتوانیم به



چرا گاهی خواب هایمان را فراموش میکنیم؟

ما
رویاها را تنها از راه
خاطراتی که بعد از بیدار شدن
از آن باقی میماند بهجا میآوریم اما
اغلب میپنداریم که این خاطرات ناقص است
و شب غنیمت بوده است. اولین نکته این است که
دلایل فراموشی در بیداری در فراموش کردن رویا هم
موثر است. ما تعداد زیادی از احساسها و دریافتهای خودمان
را از یاد میبریم برای اینکه ضعیف هستند و تاثیرشان در ما
ناچیز بوده است و این در باب رویاها نیز صادق است. اما گاهی
فرد تصاویری از رویای خود را فراموش میکند که میدانند قوی و
شدید بوده است و حال آنکه تصاویر ضعیفتر را بهخوبی به یاد
میآورد. اشتراک در اینباره میگوید ما در موقع بیداری آنچه را
یکبار بر ما گذشته است به آسانی فراموش میکنیم در صورتی
که آنچه را بارها دیده‌ایم بهتر حفظ میکنیم و بسیاری از تصاویر
رویا هم به همین نحو جز یکبار ظاهر نمیشوند و همین ویژگی
به فراموشی آنها کمک میکند. سومین دلیل فراموشی رویا
مهمتر است، چون افکار و احساسات و تصوراتی که به یادمان
میآیند باید از هم جدا نباشند بلکه میان آنها ارتباطی وجود
داشته باشد و یک تداعی کامل آنها را به هم مربوط کند اما در
اغلب موارد رویا فاقد صراحت و نظم و ترتیب است و شیوه
ترکیب رویاهای ما مانع حفظ شدن آنهاست و ما فراموششان
میکنیم برای اینکه اغلب اوقات بلافاصله از هم میباشند.
سوال دیگر این است که آیا حقیقتاً ما آنچه را در رویای
خود دیده‌ایم تماماً و بهدرستی بهخاطر میآوریم یا نه؟
خیلی از اوقات بدون اینکه عمد یا غرضی داشته باشیم هنگامی
که رویایی را در حافظه حاضر میکنیم، جاهای خالی آن را پر
میکنیم و یا اینکه پاره‌ای از تصاویر و عناصر آن را با چیزهایی
دیگر عوض و بدل می‌سازیم. یکرویای یکپارچه خیلی کمیاب
است و شاید هیچ وقت چنین رویایی وجود نداشته باشد.
آدمیزاد تعجب میکند از اینکه با توجه به تمام علل فراموشی رویا
باز مقدار زیادی از رویاها در حافظه ما پابرجا میماند. کوشش
مداوم محققان برای یافتن قوانین حافظه رویا موید این
است که هنوز در این خصوص معمایی وجود دارد.
دومین شیوه عمومی در مورد تجزیه و تحلیل
رویا را میتوان روش کشف رمز نامید. این
شیوه رویا را در حکم نوشته مرموزی
به حساب می‌آورد

که
تمام علامت های
آن با علامتهای مشابه قابل
کشف است و آنچه بهمدد کلیدی که
هیچگاه تغییر نمیکند. البته در این روش نه
فقط محتوای رویا بلکه شخصیت و مقتضیات
زندگانی شخص نیز مطرح است و همین مورد خصیصه
مکانیکی و خشک اینگونه ترجمه و تفسیر را به نحوی
اصلاح میکند.

خواب امتحان

به عنوان یک مثال کلیت تحلیل خواب امتحان را در زیر
خواهیم خواند:

بسیاری از کسانی که امتحان دیپلم متوسطه خود را داده‌اند
دچار این کابوس شده‌اند که در امتحان مردود شده‌اند و باید
دوباره در همان کلاس که بوده‌اند، بمانند ولی کسانی که
امتحانات عالیتری داده‌اند خواب میبینند که دوباره باید
مسابقه دشواری را بگذرانند. این رویاها انعکاس خاطره های آن
تنبیه‌هایی است که در روزگار کودکی تحمل کردیم و
هیچگاه نیز محو نخواهد شد و در مواقع مهم ادوار تحصیلی در
ذهن ما احیا میشود. این خاطره‌ها دقیقاً خشم آمیز است که
در تحمل آزمایش‌های سخت پیشین بر ما گذشته است و نیز
همین ترسهای مربوط به زمان کودکیست که موجب تشدید
دلهره مبتلایان بهامراض عصبی به هنگام امتحان میشود. البته
وقتی که تحصیلات ما به پایان رسید دیگر از جور پدر و مربی
و معلم بیمناک نخواهیم بود اما همبستگی بیرحمانه حوادث
بار تربیت ما را به دوش خواهد کشید و در نتیجه هر آن وقت
که بهدلیل رفتار بد و یا عدم انجام وظیفه و خلاصه هنگامی
که مسئولیتی بر دوش ما سنگینی میکند و از توفیق خویش
بیمناک و نامطمئن هستیم، خواب امتحان میبینیم و کیست
که ازین نوع رویاها نلرزد، حتیاز میانه اشخاص دانشمند...؟

منابع

تعبیر خواب و بیماریهای روانی، فروید، ایر جیورباقر، مشر آسیا
ذهن و زمان، کرامت مولی، نشر نی
سمیناری در باب تحلیل رویا از منظر لکان

گفتمان سکوت



دنیاز پایداری

مقدمه

سکوت تمام حرف های من است
سکوت را گوش کن

ما آدمیان به قدری با این جهان پر هیاهو و پر سروصدا اخت شده ایم و برای یافتن حروف، کلمات و جملات مناسب تلاش کرده ایم که انگار فراموشمان شده است که کلمات هیچگاه نتوانسته اند انقدر که باید خواسته ها و احساسات درونیمان را منعکس کنند. گاه آدمی انقدر از این ناتوانی به عجز می آید که سکوت را به عنوان تنها راه گریز خود انتخاب میکند.

یادمان باشد هنر در گوش سپردن به حرفهای گفته شده نیست گاهی هنر در شنیدن حرفهایی است که هیچگاه در قالب کلمات جان نگرفتند.

در این مقاله به بررسی نوعی سکوت میپردازیم که بنا به دلایل مختلف به خصوص از طرف کودکان برگزیده میشود. کشمکشها و ناکامیهای مختلف تعادل عاطفی کودک را برهم زده و سبب ایجاد تشویش و اضطراب در وی می گردد. این کشمکشها و ناکامیها از یک طرف و محافظت های افراطی از طرف دیگر تبعات مختلفی در پی خواهد داشت؛ یکی از آنها اختلال تکلم است که در برخی موارد وضعیتی پیش می آید که به آن لالی انتخابی گفته می شود (طاهریان، ۱۳۸۸، صفحه ۱۱).

سکوت انتخابی چیست؟

لالی انتخابی اختلال نادری است که در آن کودکی که توانایی سخن گفتن را نشان داده است، به طور مداوم از صحبت کردن در یک یا چند موقعیت اجتماعی (مثل مدرسه) امتناع میکند (APA، ۱۹۹۳).

در این اختلال، کودک با برخی از اشخاص حرف می زند ولی از صحبت کردن با سایر اشخاص ولو نزدیکان امتناع می کند. در موارد خیلی شدید ممکن است کودک از صحبت کردن حتی با نزدیکترین فرد خودداری کند ولی با اشیا و اسباب بازیها سخن گوید (طاهریان، ۱۳۸۸، صفحه ۱۱).

ملاک های DSM-5 برای لالی انتخابی

(الف) ناتوانی دائم در صحبت کردن در موقعیتهای اجتماعی مختلف که انتظار صحبت در آن می رود. ولی در دیگر موقعیتهای صحبت کردن اتفاق می افتد.

(ب) این علائم پیشرفت تحصیلی، شغلی یا ارتباطی را مختل میکنند.

(ج) ناتوانی در صحبت کردن ناشی از ناآگاهی از زبان گفتار یا صحبت نکردن آگاهانه به دلیل راحت نبودن در آن موقعیت نیست.



(د) این اختلال با اختلال ارتباطی (مثل فصاحت با شروع کودکی) یا ویژگیهای اوتیسم یا روانپریشی قابل تبیین نباشد (خدایاری فرد، ۱۳۹۵، صفحه ۱۶۴).

شیرین پنج ساله است؛ تنها با من (مادر شیرین) حرف میزند و با هیچکس دیگر، حتی با بقیه اعضای خانواده (پدر، خواهر، مادر بزرگ و پدربزرگ...) هیچگونه ارتباط کلامی ندارد. او به هر جا شدت به من وابسته است و حاضر نیست از من جدا شود میروم دنبالم می آید آشپزخانه، اتاق خواب، اتاق پذیرایی، حتی دستشویی.



این وضعیت مرا خسته کرده است و نمیدانم چه باید بکنم. زمانی که میخواهیم به مهمانی برویم حتما باید قبل از همه آماده شود. حتی کفشهایش را باید پوشیده باشد وگرنه از شدت نگرانی از این که مبادا من او را جا بگذارم خودش را خیس میکند".... (طاهریان، ۱۳۸۸، صفحه ۲۷).

لالی انتخابی یک اختلال روانشناختی دوران کودکی است که در ابتدا تصور میشود در میان کودکان خیلی نادر باشد. انواع خفیف این اختلال شایع اما گذراست در حالی که فرم شدید آن شیوع ۱ در ۱۰۰۰ دارد (کالوین و فاندیودیس، ۱۹۸۱، به نقل از طاهریان، ۱۳۸۸).

سن شروع

به طور معمول والدین اولینبار زمانی از مشکل آگاه میشوند که کودک شروع به رفتن به شیرخوارگاه یا مهد کودک میکند. ولی از آنجا که همه کودکان به مهد کودک نمیروند ممکن است این مشکل تا مدتی شناخته نشود (طاهریان، ۱۳۸۸، صفحه ۱۶). در اغلب موارد شروع قبل از ۵ سالگی است و مشکل معمولاً بعد از ورود به مدرسه در میانگین سنی ۶ سال و ۱۰ سال تشخیص داده میشود (کالوین و فاندیودیس، ۱۹۸۲، به نقل از طاهریان، ۱۳۸۸).

سبب شناسی

علت لالی انتخابی یک مهار روانشناختی است، ولی در بسیاری از این کودکان سابقه شروع دیررس تکلم دیده میشود که ممکن است در بروز این اختلال نقش داشته باشد؛ ولی هیچ ناتوانی زیستی قابل توجهی ندارند. یکی دیگر از عوامل زمینه ساز این اختلال مشکلات در تلفظ و یا لکنت زبان است که اغلب با صحبت کردن ارتباط دارد (طاهریان، ۱۳۸۸، صفحه ۱۶).

تصور نمیشود عوامل بیولوژیک نقش مهمی در بروز لالی انتخابی داشته باشد، بیشتر مسائل بین فردی و خانوادگی در این زمینه نقش بازی میکنند. عواملی مانند خانواده منزوی، وجود حداقل یک والد بسیار خجالتی و کم ارتباط یا خانواده درهم ریخته، بستری شدن در بیمارستان، جدایی قابل توجه از خانواده، آسیب های فیزیکی مثل آسیبهای دهانی، بد رفتاری با کودک، آزار جنسی و وابستگی زیاد به مادر در بروز لالی انتخابی در کودکان نقش دارد. افسردگی، نیازهای شدید وابستگی و اضطراب مادر اغلب در خانواده این کودکان دیده میشود. این عوامل ممکن است منجر به محافظت افراطی مادر و روابط کاملاً نزدیک اما دوسوگرا بین مادر و کودک بیمارارش شود. (طاهریان، ۱۳۸۸، صفحه ۱۷).

کودکان با لالی انتخابی تمایل دارند ویژگیهای ذاتی نابهنجار نشان دهند و ساکت باشند. کمرو و کنارهگیر هستند ولی رگه هایی از کله شقی در آنان دیده میشود (کالوین و فاندیودیس، ۱۹۸۱، به نقل از طاهریان، ۱۳۸۸).

شیرین در اواخر جنگ ایران و عراق به دنیا آمده و پدرش " نظامی است. او فرزند دوم ماست. خواهرش دو سال از او بزرگتر است. در سالهای اول تولد شیرین، پدرش اغلب در مأموریت و دور از منزل بود. خانواده من هم در شهرستان بودند و ما خیلی تنها بودیم. من به شدت افسرده بودم و اغلب اوقات زمانی که دخترم دخترم را شیر میدادم گریه میکردم. دخترم اغلب اوقات بغلم بود، این کار بخصوص زمان موشک باران به من آرامش میداد. با وجود اینکه من دختر

دیگری هم دارم ولی ارتباط عاطفی عمیقی بین من و شیرین برقرار شده بود به طوری که گاهی از این میترسیدم که مبادا او را از دست بدهم.

من لحظه ای او را از خودم جدا نمیکردم و هر چه میخواست سریع برایش مهیا میکردم. پدر شیرین هر چند ماه یکبار به دیدن ما میآمد و در مدتی که پیش ما بود حوصله زیادی برای بازی یا ایجاد ارتباط با بچه ها نداشت. این کودکان اغلب به عنوان بچه های منفی گرا، خجالتی، سلطه گر و فریبکار، مقابله جو و ایزوله اجتماعی توصیف میشوند و تمایل دارند که در جلسات علمی حضور ضعیفی داشته باشند (کالوین و فاندیودیس، ۱۹۸۲، به نقل از طاهریان، ۱۳۸۸).

سایر خصوصیات آن ها شامل سابقه تأخیر تکلم، مزاج سرسخت اما بسیار کمرو، محافظت افراطی والدین از آنان است. (طاهریان، ۱۳۸۸، صفحه ۱۷). بعضی از عوامل به طور مشترک نقش مؤثری در این رخداد دارند. این عوامل شامل موارد زیر هستند: (Ontario & Hamilton, ۲۰۰۴)

۱. طبع مظرب یا خجالتی

۲. تاریخچه خانوادگی کمروبی یا اضطراب

معمولاً یکی از والدین یا هر دو در موقعیتهای اجتماعی احساس اضطراب نموده یا زمانی که باید در مقابل دیگران صحبت کنند اضطراب خاصی را تجربه میکنند.

۳. مشکلات زبان/تکلم

برخی از این کودکان مشکلات زبان/ تکلم دارند (مثل مشکلات تلفظ) و برخی دیگر از آنها در صحبت کردن از این میترسند که کلمات آنها باعث تمسخر دیگران شود.

۴. فرهنگ جدید

شیوع بیش از حد انتظار این اختلال در میان کودکان مهاجر وجود دارد.

بعضی از کودکانی که با فرهنگ جدید و با زبان متفاوت سازگار میشوند ممکن است در صحبت کردن بی تمایل باشند.

۴. خانواده ضعیف / شبکه همسالان مدرسه

این کودکان، ممکن است بیشتر از خانوادههایی باشند که ارتباط خوبی (قوی) با محیط مدرسه نداشته باشند. یا ممکن است در محله متفاوتی از همکلاسیهای خودشان زندگی کنند و درحالیکه آنها از وسیله شخصی یا آژانس یا سرویس برای رفتن به مدرسه استفاده میکنند، او از اتوبوس استفاده میکند.

تشخیص

برای گذاشتن تشخیص لالی انتخابی: (طاهریان، ۱۳۸۸)

۱. لالی باید حداقل یک ماه دوام داشته باشد.
۲. با پیشرفتهای تحصیلی و آموزشی یا ارتباط اجتماعی تداخل پیدا کند.
۳. ناشی از وجود یک اختلال در تکلم نظیر لکنت زبان نباشد.
۴. همچنین ناتوانی در تکلم ناشی از فقدان معلومات نباشد.
۵. سالم و طبیعی بودن شنوایی، تکلم و درک مطلب کودک تأیید شود.



بودن شنوایی، تکلم و درک مطلب کودک تأیید شود.
۶. کودکانی که وارد محیطی با زبان تکلمی متفاوت میشوند ممکن است از شروع به صحبت به زبان جدید خودداری کنند. در این مورد تشخیص لالی انتخابی زمانی باید گذاشته شود که کودک از تکلم به زبان مادری خود نیز امتناع میکند و همچنین توانایی کافی برای تکلم به زبان تازه را به دست آورده‌است ولی از تکلم به این زبان خودداری میکند.

بین کودکانی که لال هستند با کودکانی که لالی انتخابی دارند باید تمایز قائل شد (براون و لوید، ۱۹۷۵ به نقل از طاهریان، ۱۳۸۸). لالی انتخابی همچنین باید از عقب ماندگی ذهنی، اختلالات فراگیر رشد و اختلال زبان بیانی تفکیک شود. در این اختلالات نشانه‌ها گسترده است و کودک در تمام موقعیتها قادر به برقراری ارتباط طبیعی و یا تکلم نیست (طاهریان، ۱۳۸۸، صفحه ۲۲).

درمان

مطالعات نشان می‌دهند که درمان لالی انتخابی مشکل و زمانبر است.

روشهای رفتاری به کار گرفته شده‌اند و تا حدی موفق بوده‌اند (کالوین و فاندیوودیس، ۱۹۸۱ به نقل از طاهریان، ۱۳۸۸) به همین علت بیشتر مداخلات برای لالی انتخابی کودکان پایه‌های رفتاری دارند و شامل تقویت مادی و اجتماعی، تکنیک‌های شکل‌دهی و محو تدریجی هستند.

به نظر میرسد ترکیب روشهای درمانی شناختی- رفتاری و استفاده از مداخلات انفرادی و تشویق به استفاده از تکلم بیش از همه مفید باشد. در کنار اینها ضمن مشاهده دقیق رفتارهای کودک در موقعیت‌های مختلف و نیز اجرای آزمون‌های لازم به منظور بررسی وضعیت ذهنی و جسمی کودک باید به مشاوره و هدایت والدین پرداخت. همچنین میتوان از تکنیک‌های بازی درمانی و ترسیم نقاشی جهت بررسی شخصیت کودک و ایجاد تغییرات مطلوب در آن استفاده کرد. به ندرت ارزیابی روانپزشکی و درمان در بیمارستان ضرورت می‌یابد (طاهریان، ۱۳۸۸، صفحه ۲۵).
درمان دارویی:

داروی فلوکستین: به علت خاصیت مهارکنندگی انتخابی باز جذب سروتونین در مواقعی که مداخلات اجتماعی برای کنترل علائم کفایت نکند تجویز میشود. (طاهریان، ۱۳۸۸)
داروی فنلین: کمک به بهبود نشانه‌های جمعیت هراسی (به ندرت برای کودکان سنین مدرسه توصیه میشود). (طاهریان، ۱۳۸۸)

در نهایت باید گفت درمان متمرکز بر مشکل در منزل یا مدرسه یا هرگونه مشکلی است که به نظر میرسد استرسزا باشد و در امتناع کودک از صحبت کردن دخالت داشته باشد (طاهریان، ۱۳۸۸، صفحه ۲۶).

منابع:

۱. (طاهریان، سهیلا/۱۳۸۸ لالی انتخابی اختلال ویژه کودکان، تهران: سازمان بهزیستی کشور)

۲. (خدایاری فرد، محمد/۱۳۹۵ آسیب شناسی کودک و نوجوان با تجدید نظر کلی بر اساس DSM-5، تهران: انتشارات دانشگاه تهران)

3. Selective Mutism Service, McMaster Children's Hospital, Hamilton, Ontario, Canada 2004, L&N3Z5

۴. انجمن روانپزشکی آمریکا، طبقه بندی اختلالات روانی DSM-IV، ترجمه پور افکاری نصر ا... (۱۳۷۴)، تبریز: انتشارات ازاده

مورد عجیب!

مورد عجیب بنجامین باتن

نویسندگان، شاعران، نمایشنامه‌نویسان، فیلمسازان و به طور کلی هنرمندان دریجهای از جهان را به روی ما می‌کشایند؛ تا دنیایی متفاوتتر را زندگی کنیم. گاه ماندگارترین آثار ادبیات افسانه‌هاییست که هرگز به وقوع نپیوستند اما واقعیت‌هایی از زندگی و چگونه زیستن را بیان میکنند. زندگی را باید شناخت؛ عشق را، امید را و گاه این شناخت از دل یک تخیل ممکن میشود. گاهی آنچه در دنیای واقعی ناممکن است جنبه‌هایی ناشناخته از جهان را پیش روی ما میگذارد. دیوید فینچر کارگردان برجسته آمریکایی با یک مورد عجیب عمیقترین مفاهیم زندگی انسانی را به تصویر کشیده است. «مورد عجیب بنجامین باتن» مردی با زندگی وارونه!

بنجامین در زمان تولد ظاهری پیر دارد و هرچه از سنش میگذرد جوانتر میشود و همین موضوع از او یک مورد عجیب ساخته است.

این فیلم براساس داستان کوتاهی از اف اسکات فیتز جرالده شکل گرفته است. جرالده در داستانش زندگی مردی را روایت میکند که پیر به دنیا می‌آید و به تدریج جوان میشود اما در «مورد عجیب بنجامین باتن» علاوه بر به تصویر کشیدن این داستان، کششهای عاطفی نیز در نظر گرفته شده تا از دل یک داستان کوچک، یک عاشقانه موفق و روایتی بسیار عظیم تر خلق شود. «مورد عجیب بنجامین باتن»، علیرغم ظاهر افسانه‌های و فانتزی‌های استعاره‌های، انسان‌گرایانه و نمادین است که در خود از مهمترین مباحث روانشناسی انسانی و مفهوم متعالی ساختن در روانشناسی مثبت‌گرا، بهره برده است. زمان، پیری، زندگی و مرگ، امیدواری، پذیرش ناتوانیها، از خودگذشتگی، تبعیض، سخاوت و بخشش، رستگاری، خودکارآمدی، غلبه بر سختیها و خودشناسی، تنها برخی از جنبه‌های انسان‌گرایان‌هایی است که در روایت بنجامین باتن دیده میشود.

عشق عمیق، خوشبینی واقع‌گرایانه و امید در دل ضعف‌ها و محدودیت‌های انسانی به تصویر کشیده شده است و مهربانی در سراسر این تراژدی عجیب و شگفت‌انگیز جاریست. «در بیمارستانی در نیواورلئان، زنی سالخورده در حالی که طوفان کاترینا به سواحل جنوب آمریکا نزدیک میشود، در بستر مرگ از دخترش کارولاین میخواهد تا دفتر خاطرات مردی به نام بنجامین باتن را برای وی بخواند. فیلم از زبان باتن روایت میشود که تولدی غیر معمول داشته‌اما قبل از آن با ساعت‌ساز نابینایی آشنا میشویم که تنها پسرش را در جنگ جهانی اول از دست داده است و به همین دلیل ساعتی میسازد که عقربه‌هایش بر خلاف جهت معمول کار میکنند. او در روز افتتاح این ساعت در ایستگاه راه‌آهن نیواورلئان هدفش از این کار را بازگرداندن چرخ زمان به عقب و زنده

کردن پسرش اعلام میکند و سپس ناپدید میشود. در ۱۱ نوامبر ۱۹۱۸، که مردم نئوآورلئان پایان جنگ بزرگ را جشن گرفته‌اند، همزمان تامس باتن صاحب فرزندی میشود. این کودک شمایل پیرمردی ۸۷ ساله را دارد و مادرش به هنگام تولد وی از دنیا می‌رود. تامس که از این واقعه خشمگین شده، کودک را به همراه ۱۸ دلار روی پله‌های یک آسایشگاه سالمندان رها میکند. کوئینی کودک را یافته و علیرغم مخالفت شوهرش از او مراقبت میکنند. کوئینی نام بنجامین را بر کودک نهاده و او را بزرگ میکند. کودک هرچه بزرگتر میشود از نشانه‌های پیری در چهره و بدن وی کاسته میشود. در سال ۱۹۳۰ وقتی که بنجامین ۱۲ ساله شده و هنوز سیمای یک پیرمرد را دارد، با دختر بچه‌ای به نام دیزی آشنا و شیفته او میشود. با افزوده شدن سن بنجامین کاری در کشتی ناخدا مایک پیدا کرده و مدتی بعد شهرش را به قصد سفری کاری و طولانی ترک میکند. اما به دیزی قول میدهد تا مرتب با نامه و کارت پستال با او در تماس باشد. در روسیه با زنی به نام الیزابت آبوت آشنا شده و برای اولینبار عاشق میشود. اما روزی میرسد که الیزابت او را به‌طور ناگهانی ترک میکند. بنجامین نیز با ورود دولت آمریکا به جنگ، به همراه ناخدا مایک و خدمت‌هایش، به خدمت نیروی دریایی در می‌آید. نتیجه رویارویی آنها با یک زیردریایی آلمانی کشته شدن ناخدا و تنی از چند خدمه و نابودی کشتی و زیردریایی است. بنجامین بعد از جنگ به خانه بازمی‌گردد و برای بار دوم با تامس باتن (پدرش) در حال مرگ دیدار میکند. باتن میگوید که پدر واقعی اوست و تمامی دارایی‌اش از جمله خانه و کارگاه دکم‌سازیش - را برای او به ارث میگذارد. بنجامین در ملاقات دوباره با دیزی میفهمد که او اینک بالربین مشهوری در نیویورک است. مدتی بعد، در سال ۱۹۶۲ زمانی که بعد از یک تصادف دیزی به واسطه صدمه دیدن پایش قدرت بالربینی خود را از دست داده و هر دو در سنی نزدیک به هم قرار دارند، دیداری دیگر در نئوآورلئان منجر به زنده شدن عشق قدیمی میشود. آنها خانهای تازه می‌خرند و زندگی مشترک را با هم آغاز میکنند. ولی پس از تولد فرزندشان هر دو متوجه میشوند که ادامه این زندگی تقریباً غیرممکن است چون با پیرتر شدن دیزی، بنجامین روز به روز جوانتر میشود. او دیزی و دختر خود را ترک میکند و در نهایت در دوران کودکی از دنیا می‌رود.»

داستان در سه دوره اصلی روایت میشود: دوره اول دوران کودکی «بنجامین» است. دورانی که ظاهر و وضعیت جسمی ضعیف او به توان ذهنی رو به افزایشش طعنه می‌زند. علیرغم ناتوانیهای فیزیکی‌اش، به طور خارق‌العاده‌ای خود را با مشکلات وفق میدهد؛ البته مادر دلسوز او نیز در این راه کمکش میکند. دوره دوم، قبل، بعد و همچنین دوران جنگ جهانی دوم را به تصویر میکشد. اینجاست که بنجامین، در طول جنگ و در حین خدمت بر روی یک کشتی یدککش در روسیه، درگیر رابطهای عاشقانه با یک زن انگلیسی میانسال به نام الیزابت میشود.

سپس با ظاهر و وضعیت جسمی بهتری به خانه باز می‌گردد. در دوره سوم و آخر داستان، شاهد رسیدن «بنجامین» از میانسالی به دوران طلایی جوانی‌اش هستیم. او در این دوران قدم در راه شناخت فداکاری، معنای واقعی زندگی و شادی میگذارد.



«مورد عجیب بنجامین باتن» از یک وزن شاعرانه رمانتیک استفاده میکند و از این راه به تماشاگر نزدیک میشود، اما ساختار داستانی فیلم به داستانهای واقعگرایانه جادویی یا رئالیسم جادویی شباهت دارد. همچنین از شاخصهایی برای باورپذیری بیشتر نظیر اشاره مستقیم به حوادث تاریخی (جنگ جهانی دوم، طوفان کاترینا و...) بهره‌مند است. اگرچه بسیاری از جریان‌های فکری و اجتماعی همراه با دوره‌های تاریخی ناگفته باقی میماند و تمرکز کلی فیلم بر زندگی شخصی باتن است.

قصه‌پردازی ماهرانه اریک راث^(۳) و رابین سوپکورد^(۴) در کنار جلوه‌های ویژه بصری، فرم عکاسی و فیلمبرداری، طراحی لباس و سایر عناصر موفق فیلم، داستان بنجامین باتن را به حماسه‌های عاشقانه و عظیم تبدیل کرده است و مخاطب را با خودش به سفری عمیق و چندین و چندساله میبرد. در این فیلم با عاشقانه‌های مواجه هستیم که انواع عشق را به زیبایی روایت میکند (عشق زن و مرد، مادر و پسر، پدر و پسر) و مرزهای این عواطف عمیق به‌خوبی در طی داستان گسترش مییابد. بنجامین باتن مفهوم پذیرش را به زیبایی هرچه تمامتر منتقل میکند. پذیرش سختیها، تفاوت‌های انسانی و هماهنگیهای نژادی در سراسر فیلم به چشم میخورد.

دکتر آلبرت الیس^(۵) (روانشناس) در توضیح این مفهوم اشاره میکند: وقتی کویینی تصمیم میگیرد نوزاد را به سرپرستی قبول کند، هیچکس در خانه سالمندان در مورد ژنتیک و نژاد کودک و همچنین ظاهر زشت و عجیب او سوالی نمیپرسد (یکی از ساکنان سالخورده میگوید که بنجامین شبیه به همسر سابق اوست). این پذیرش عمیق و همه‌جانبه که از کویینی آغاز و با ساکنان خانه سالمندان ادامه مییابد، در نهایت به بنجامین هم میرسد. او علیرغم ویژگیهایش خود را بدون قیدوشرط میپذیرد و تنها در یک سکانس بنجامین گریه کرده و میپرسد: «من چه گناهی کرده‌ام؟» بردباری و پذیرش بی‌قیدوشرط در روابط او با دیگران هم نمود مییابد؛ خصوصاً در مورد پدرش. اگرچه پدرش سالها پیش او را رها کرده است، بنجامین در سالهای پایانی عمرش همراه او میماند، از پدر مراقبت میکند، برایش وقت میگذارد و او را به محل مورد علاقه‌اش در کنار آب میبرد تا از دنیا برود.

بنجامین درخصوص شرایط عجیب و دردناک زندگیش فاجعه‌سازی نمیکند، در عوض راه سالمی در پیش میگیرد و تا حد زیادی متفکرانه زندگی میکند.

چگونگی رشد و کسب استقلال شخصی بنجامین تحت‌تاثیر موقعیت‌های متفاوت و انتخابهای اوست. تجربیاتش در برخورد با افرادی از نژادها و ملیتهای مختلف شکل میگیرد که تاثیر زیادی بر پختگی روابط او دارد.

در سراسر فیلم ناظری قدرتمند و گاه نامرئی حضور دارد: «زمان» "وقتی زمان به پایان برسد، مجبور به رفتن هستی" و این همان چیزی است که دکتر آلبرت الیس در مورد حکمت و فایده پذیرش چیزی که تغییر نمیکند میگوید.

نمایش مکرر ساعتها در فیلم و داستان تاثیرگذار ساعتساز، گذران زمان در پشت پرده آنچه اتفاق میافتد را یادآور میشود. اهمیت باورنکردنی زمان به شیوه‌های تاثیرگذار و موفقتر از آثار دیگر در دل داستان بیان میشود و با روانشناسی جدید در حوزه زمان مطابقت دارد.

دیدگاههای مربوط به زمان آینده، حال و گذشته به خوبی در فیلم نشان داده شده است.

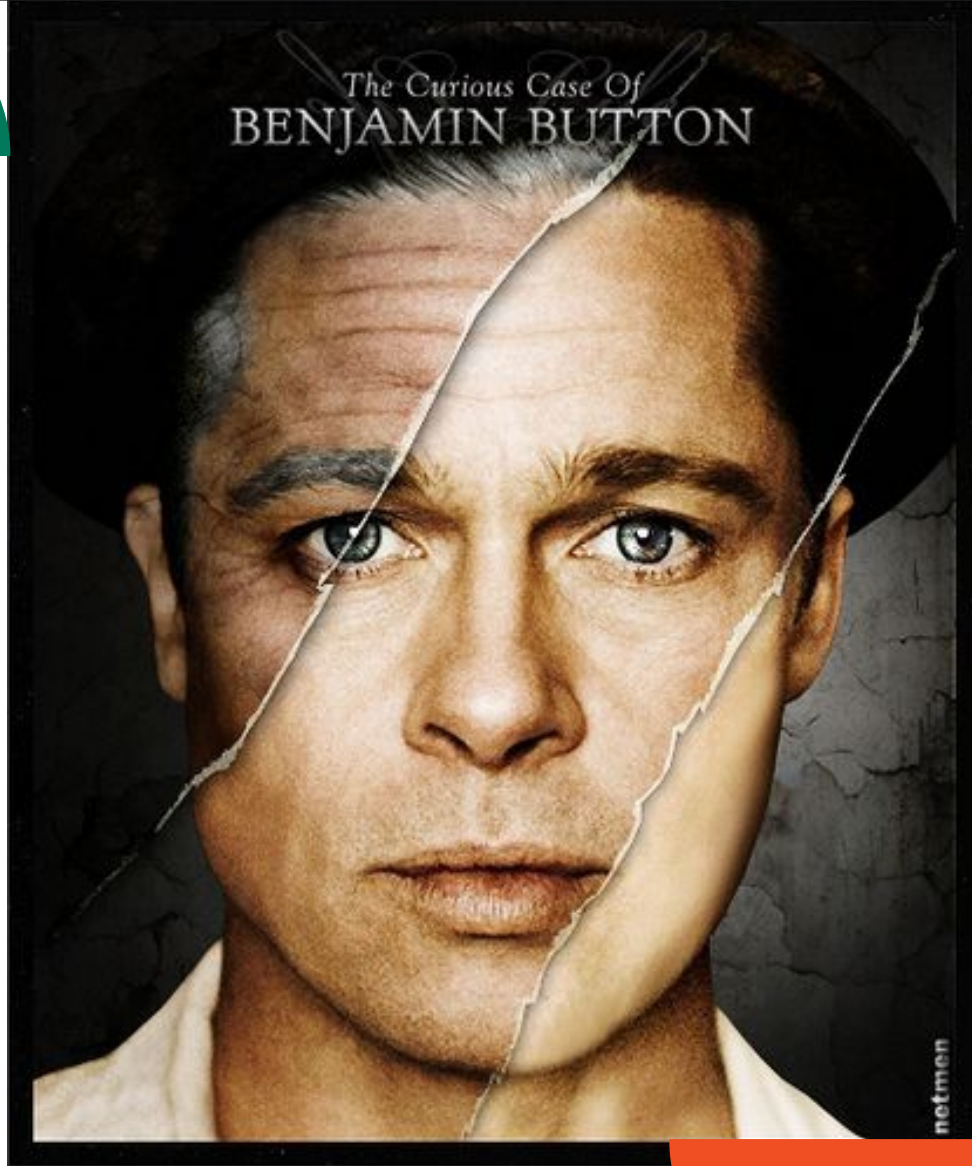
خطی که در داستان بنجامین باتن دنبال میشود، حاوی این پیام است که: «شما هرگز نمیدانید چه چیزی برایتان رخ خواهد داد» دکتر الیس مرتب به مردم یادآوری میکند که زندگی هیچ تضمینی ندارد و هیچچیز در زندگی مطلق نیست و بهتر است به دنبال اطمینان یافتن از چیزی نباشیم.

همچنین دوری از کمالگرایی و کسب تجربه با اشتیاق و علاقه همواره مورد توجه ایشان است؛ مانند آنچه معلم پیانوی بنجامین با گفتن این جمله به او آموخت: «مهم نیست که چقدر در نواختن ماهری، بلکه مهم این است که چه احساسی از این نواختن داری» که این از همه چیز مهمتر است.

همچنین دوری از ناامیدی و استفاده از جملاتی مانند «من نمی‌توانم» یا «من هرگز قادر به انجامش نیستم» که تنها امکانات و توانمندیهای وجودی ما را محدود میکند، به‌خوبی در فیلم نمایش داده شده‌است. عشق اول بنجامین (الیزابت) از هدف خود که شنا کردن در کانال انگلیس بود چشمپوشی کرد اما چند دهه بعد مستترین زنی شد که در این کانال شنا کرده‌است.

اریک ارث خالق بنجامین باتن میگوید: «برای اینکه تبدیل به کسی شوی که میخواهی، هیچوقت خیلی دیر نیست، و در مورد من خیلی زود. هیچ محدودیت زمانی وجود ندارد؛ از هرکجا که میخواهی آغاز کن. تو میتوانی تغییر کنی یا همینطور که هستی باقی بمانی؛ هیچ قانونی وجود ندارد. ما میتوانیم بهترین یا بدترین خودمان باشیم. امیدوارم که تو بهترین خودت باشی. امیدوارم چیزهایی ببینی که برایت تکانه‌دهنده باشند. امیدوارم چیزهایی را احساس کنی که پیش ازین احساس نکرده‌ای. امیدوارم افرادی را ملاقات کنی که نقطه نظرات متفاوتی نسبت به تو داشته باشند. امیدوارم به زندگیا که داشته‌ای افتخار کنی. و اگر این طور نیست، امیدوارم شجاعت شروعی دوباره را داشته باشی.»

«بعضی از مردم برای زندگی کنار رودخانه به‌دنیا می‌آیند، برخی برای کشته شدن با صاعقه، برخی برای شنیدن موسیقی، برخی برای شنا کردن، برخی برای ساخت دکمه، برخی برای شکسپیر بودن، برخی برای مادر بودن، و برخی برای رقصیدن» و همه برای خلق زندگی متولد شده‌ایم، «همه ی ما» ... حتی موارد عجیبی مانند بنجامین باتن!



منابع:

۱. دیوید فینچر: فیلمساز، کارگردان موزیک ویدئو و تهیه‌کننده آمریکاییست. کارگردانی درام روانشناختی هفت و باشگاه مشت زنی همچنین درامهای معمایی بازی، زودیاک و دختر گم شده او را به شهرتی بین المللی رساند.
 ۲. اف اسکات فیتزجرالد (۱۹۴۰-۱۸۹۶): نویسنده آمریکایی رمان و داستانهای کوتاه بود. او به‌عنوان یکی از نویسندگان بزرگ سده بیستم میلادی شناخته میشود. معروفترین اثر او رمان گتسی بزرگ است که اولین بار در سال ۱۹۲۵ منتشر شد.
 ۳. اریک راث: فیلم نامه نویس اهل ایالات متحده آمریکا است. آثار برجسته او فیلمنامه های موفق «فارست گامپ»، «مونیک»، «نفوذی» و «مورد عجیب بنجامین باتن» است.
 ۴. رابین سویکورد: نویسنده، کارگردان و تهیه کننده کلمبیایی است.
 ۵. دکتر آلبرت ایس (۲۰۰۷-۱۹۱۳): روانشناس آمریکایی که پیشگام درخشان و مشهور درمانهای شناختی مدرن بود.
- سایت نقدفارسی (مقاله ای به ترجمه ی مهدی ملکی) [*naghdefarsi.com](http://naghdefarsi.com)
- سایت هیبرد کلینیک (مقاله ای به ترجمه ی دکتر عاطفه غرقی) (روانشناس) [*hirbdclinic.com](http://hirbdclinic.com)
- (Ellis, A. (2005). The myth of self-esteem. New York: Prometheus Books. PsycINFO**
- Ellis, A. (2009). All out! An autobiography. New York: Prometheus Books Schacter, D. (1996). Searching for memory: The brain, the mind, and the past. New York Basic Books. PsycINFO →**
- Zimbardo, P., & Boyd, J. (2009). The time paradox: The new psychology of time that will change your life. New York: Simon & Schuster.)**
- سایت سینما مدرن (مقاله ای از علیرضا پورصباغ [*cinemodern.ir](http://cinemodern.ir))

کودکان کار



فروزان
عبدی

فروزان عبدی

کودکان خانواده‌های خیابانی هستند که به همراه خانواده‌شان در خیابان کار و زندگی میکنند. فقر اقتصادی و از جمله نداشتن مسکن و سرپناه، علت اصلی زندگی آنها در خیابان است و گروه چهارم کودکانی هستند که از خانواده خود کاملاً بریده و از خانه فرار کرده‌اند. این گروه به صورت تمام وقت در خیابان به سر می‌برند.

سازمان بین المللی کار

در سال ۱۹۷۳ میلادی کنفرانس ۱۳۸ سازمان بین‌المللی کار عهدنامه‌های به نام کنوانسیون (مربوط به حداقل سن برای پذیرش و استخدام) به تصویب رساند و طبق ماده ۳ این کنوانسیون حداقل سن برای هر کار یا استخدامی که ممکن است سلامت جسمی یا روانی را به مخاطره بیندازد، نباید کمتر از ۱۸ سال باشد و در صورت خطرناک نبودن، نباید کمتر از ۱۵ سال باشد. و در توصیه‌نامه‌های بالا بردن حداقل سن استخدام به ۱۶ سالگی، در جاهایی که کمتر از ۱۵ سال است به ۱۵ سالگی و بالا بردن حداقل سن در مورد کارهای خطرناک به ۱۸ سالگی را پیشنهاد میکند (فاضل، ۱۳۹۱).

ضرورت توجه به کودکان کار

ضرورت توجه به مسائل کودکان کار را می توان در موارد زیر مشاهده کرد:

الف) گسترش روزافزون کار کودکان: اگر سن پایان کودکی را براساس پیماننامه حقوق کودک ۱۸ سال در نظر بگیریم، در سال ۲۰۰۲ بیش از ۳۵۰ میلیون کودک و نوجوان به جای پرداختن به تحصیل، به کار مشغول هستند. به نظر میرسد آمار کودکان کار در ایران نیز به دلیل گوناگون رو به افزایش میباشد.

ب) آسیب‌پذیری کودکان در برابر کار: کودکان کار در شرایط بسیار نامطلوب از نظر تغذیه، بهداشت و انجام کارهای حاد و خطرناک به سر می‌برند. این کودکان میتوانند به راحتی بازبچه بزهکاران حرفه‌ای اعم از اعسار رقیق یا باندهای توزیع مواد مخدر و عوامل ایجاد خانه‌ها فساد قرار گیرند.

ج) تاثیرات اقتصادی-اجتماعی کار کودکان: سبب افزایش سود و انباشت سرمایه برای کسانی میشود که کودکان را مورد استثمار قرار میدهند و در نتیجه فاصله طبقاتی را در جامعه بیشتر میکند و فقر را افزایش میدهد. کودکان را از دستیابی به دانش و مهارت کافی باز میدارد، آسیب‌های اجتماعی، مانند اعتیاد، بزهکاری،

استثمار، تبعیض و فقر افزایش مییابد و در نتیجه سلامت اجتماعی جامعه را به مخاطره میاندازد و مانع توسعه و پیشرفت جامعه میشود (جعفری و ویسی نژاد، ۱۳۹۲). دوران کودکی دوران شیرین و سرخوشی است و از اصیلترین حقوق کودکان، امنیت و شادی است ولی برای کودکان کار دورانی سخت و طاقتفرسا است. کار اجباری برای کودکان و به کارگیری آنها در زمانی که جسم و روانشان در حال رشد است آسیب‌های جدی به بار خواهد آورد. گذران ساعات طولانی در خیابانها و قرارگرفتن در معرض عوامل

طبق تعریف یونسف (۱۹۹۷) به نقل از نجف آبادی، (۱۳۹۱) کودکان کار و خیابانی به افراد زیر ۱۸ سال اطلاق می شود که به علت مشکلات خانوادگی مجبور هستند برای ادامه بقای خود در خیابانها کار و زندگی کنند. بنابراین کودکان کار، کودکانی هستند که به یکی از اشکال کار سبک/سخت و داوطلبانه/اجباری به منظور کسب درآمد اشتغال دارند.

کودک کار در جوامع گوناگون تعاریف مختلفی دارد. تعریفهای موجود، اغلب جمعیت کودکان کار را در مجموع کودکان خیابانی تعریف میکنند، اما در تمامی تعریفها این عقیده وجود دارد که کودکان کار بخشی از گروه بزرگتر کودکان در وضعیت دشوار و کودکان آسیب‌پذیر شهری هستند که ساعت‌های طولانی از شبانه روز را به‌طور موقت یا دائمی برای مدتی نامعلوم به انگیزه کار و زندگی در خیابانها سپری کرده و در مقایسه با سایر کودکان، تماس کمتری با نهادهای اجتماعی، تربیتی و حمایتی دارند (سلیمانی نژاد، ۱۳۹۵). این پدیده علیرغم جهان شمول بودن دارای ویژگیهای خاص هر جامعه است که وجود ریشه‌های فرهنگی در این زمینه را در کنار عوامل اجتماعی و اقتصادی نمایان میسازد (ایمانی، ۱۳۹۰).

از نظر جمعیت‌شناختی به افراد بین سنین ۱۰-۵ سال کودک گفته میشود، ولی در قوانین مدنی ایران برای دختر پایان کودکی ۱۵ سالگی و برای پسر ۱۸ سالگی است. بر اساس ماده ۷۹ قانون کار ایران مصوبه ۱۳۶۹ به کارگماردن افراد کمتر از ۵ سال تمام ممنوع است. زیرا این سنین باید برای تفریح، بازی، آموزش عمومی و مهارتهای شغلی و زندگی برای کودکان باشد تا شهروندانی سالم، آماده، فعال و بانشاط برای کشور باشند (مرادی، سجادی و همکاران، ۱۳۹۴).

انواع کودکان کار

لاسک (۱۹۹۲) و پاتل (۱۹۹۰) به نقل از افشانی و همکاران (۱۳۹۱) کودکان کار و خیابان را در چهار مقوله گروه‌بندی میکنند که هر گروه ویژگیهای روانشناختی و اجتماعی خاص خود را دارند: گروه اول، کودکان فقیری هستند که در طول روز در خیابان کار میکنند و شب به خانه بر میگردند. این گروه احتمالاً در مدرسه شرکت میکنند و کمتر به اعمال مجرمانه و بزهکاری روی می‌آورند. گروه دوم، کارگران خیابانی مستقلی هستند که پیوندهای خانوادگی آنها در حال گسستن است. شرکت آنها در مدرسه در حال کاهش و بزهکاری در بین آنها رو به افزایش است. سوم،



متعدد آسیب‌زای محیطی از یک سو و عدم برخورداری از امکانات آموزشی، تربیتی، بهداشتی و حمایتی از سوی دیگر، سلامت جسمی، روانی و اجتماعی این کودکان را به شدت با آسیب مواجه ساخته و امکان رشد فردی را از آنها سلب میکند. عدم دسترسی به آموزشهای تحصیلی و حرفهای امکان ارتقای این کودکان را به مشاغل در سطوح بالاتر منتفی کرده و تجسم تغییر در شرایط زندگی آینده را برای آنها غیرممکن میسازد (وامقی، ۱۳۸۸).

بر اساس گزارشهای سازمان جهانی کار در سپتامبر ۲۰۱۷، ۱۵۲ میلیون کودک در سن ۵ تا ۱۷ سال یا تقریباً از هر ۱۰ کودک، یکی از آنها ناگزیر به تحمل کار اجباری هستند. در این آمار، کودکان با مشاغل پرخطر که به صورت مستقیم سلامتی، امنیت و تحول اخلاقیشان در معرض خطر است بیش از نیمی از کودکان کار را تشکیل میدهد.

اگر کار کردن کودکان به خاطر آموزش کم یا تحصیلات بسیار پایین آنها باشد آینده اقتصادی و همچنین بهزیستی آنها در آینده بسیار خطرناک خواهد بود چرا که مشاغل در آینده نیاز به تحصیلات و مهارت خاصی دارند که کودکان کار، به علت نبود آموزش مناسب از این مهارتها برخوردار نخواهند بود و در آینده وضعیت اقتصادی و اجتماعی خطرناکتری خواهند داشت. به همین دلیل آموزش یکی از مهمترین ابزارهای ایجاد درآمد و برون رفت از فقر و بدبختی کودکان کار است (زاپاتا و همکاران، ۲۰۱۱).

از این رو پرداختن به مسئله کودکان کار به علل مختلف از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است: نخست آنکه پدیده کودک کار و خیابان صرف نظر از آمار و تعداد آنها، خود یک مسئله اجتماعی مهم و درخور توجه در جامعه است که آثار و تبعات اجتماعی متعددی را به دنبال دارد، دوم اینکه کودکان کار و خیابان از محرومترین کودکانی هستند که از حقوق اساسی خود بیبهره‌اند. سوم اینکه کودکان کار و خیابان به علت شرایط زندگی خاصی که دارند، منشا بسیاری از رفتارهای نادرست و پرخطری هستند که نه تنها به خود کودک آسیب می‌زند، بلکه سلامت جامعه و افراد دیگر را به مخاطره می‌اندازد (افشانی، ندوشن، حیدری، نجف آبادی، ۱۳۹۱).

پدیده کودکان کار یکی از معضلات اجتماعی رو به افزایش است این موضوع به تنهایی مسئله‌های پیچیده و چند وجهی است. آموزش به این دسته از کودکان از اهمیت بالایی برخوردار است. آنچه لزوم پرداختن به این موضوع را روشن میکند آسیب‌ها و صدمات ناشی از این پدیده است. این آسیبها و صدمهها هم جنبه فردی دارد هم جنبه اجتماعی (حسینی، ۱۳۸۵). مهمترین اثر این پدیده آمادساز بستی برای انحرافهای اجتماعی و بزهکاری است که بر اثر فقدان آموزشهای لازم اتفاق میافتد. وجود چنین شرایطی هر انسان آگاه و مسئولی را بر آن میدارد تا قدمی هر چند کوچک در جهت اصلاح و بهبود شرایط این کودکان که در نهایت به سود اعضای جامعه است بردارد (حسینی، ۱۳۸۵).

منابع:

- افشانی، علیرضا؛ عسکری نوشن، عباس؛ نوریان نجف آبادی، محمد (۱۳۹۱). جامعه شناسی کاربردی. سال ۲۳، شماره پی ۴۸- شماره ۴- ۹۱-۱۰۲ ص ۸۵-۸۵.
- ایمانی، نفیسه؛ نرسیسیانس، امیلیا (۱۳۹۰). مطالعه انسان شناسانه پدیده کودکان کار خیابانی شهر کرج. مسائل اجتماعی ایران، ۳(۱)، ۷-۳۲.
- جعفری، محمد حسین؛ ویسی نژاد، نورمحمد؛ درستی، امیرعلی (۱۳۹۲). بررسی عوامل موثر بر پیدایش و گسترش پدیده کودکان کار. مطالعه موردی شهر اهواز، فصلنامه علمی پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر، سال ۷ شماره ۲- پیاپی (۲۱).
- حسینی، سید حسن (۱۳۸۵). کودکان کار و خیابان. تهران: سلمان. سلیمانی نژاد، روح الله (۱۳۹۵). بررسی و مقایسه ویژگی کودکان کار با کودکان عادی. پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه علامه طباطبایی
- فاضل، لیلا (۱۳۹۱). مفهوم کودک در بهره مندی از حق، در نظام بین المللی حقوق بشر و مطالعه موردی در نظام حقوقی ایران. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی.
- مرادی، اکرم. سجادی، حمیرا. محقی کمال، سید حسن. وامقی، مروئه. حسینی تشنیزی، سعید (۱۳۹۴). بررسی سلامت اجتماعی کودکان و کار مراجعه کننده به مراکز مردم نهاد حمایت از حقوق کودکان تهران. مقاله پژوهشی مجله دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان، دوره ۱۴، ص ۹۷۷-۹۸۸.
- وامقی، مروئه (۱۳۸۸). کار کودک، مفاهیم و رویکردها. فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی. شماره ۸.
- zapata, D., D. Contreras & D. Kruger. (2011). child labor and schooling in Bolivia: Who is Filling Behind? The Roles of domestic Work. World Development, 39(4): 588-599

فروزان عبدی کارشناس ارشد مشاوره خانواده



دانشگاه شهرا